

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مطلبی از مرحوم امام(ره)

در ذیل فرمایش امام(رض) مطلبی وجود دارد، که بگوییم این روایات مانع مثل ثمن المیته سحت ، یا آن تعبیری که در صحیحہ بنظری دارد «لا بیعها» ، انصراف دارد به آنجایی که میته را به قصد منفعت محرمة که عبارت از اکل است بفروشیم. این انصراف را امام(ره) ادعا فرموده اند. اما آیا می شود این انصراف را قبول کرد و گفت روایات چنین انصرافاتی دارد؟ مخصوصاً در روایت بنظری که می گوید می توانی از میته انتفاع ببری اما حق نداری در مقابل پولی بگیری. این صدر روایت بنظری قرینه می شود بر اینکه «لا بیعها» یعنی اصلاً بیع نباید روی میته واقع شود، چه برای انتفاع محلل باشد چه نباشد. به نظر ما، هم ثمن المیته سحت اطلاق دارد و هم صحیحہ بنظری انصرافی ندارد که بتوانیم اطلاق را از بین ببریم .

استدلال به روایت تحف العقول

آیا می توان از روایت تحف العقول برای این مورد، - بیع میته - استفاده کرد؟ آنچه که در روایت تحف العقول در قسم صناعات بود، این بود که اگر وسیله ای به عنوان فساد فروخته شود بیعش حلال و جایز نیست، اما اگر بعنوان صلاح باشد بیعش صحیح است.

یعنی ما از روایت تحف العقول که سندش را هم بر خلاف عده ای پذیرفتیم، البته عرض کردیم صاحب جواهر، مرحوم نائینی، مرحوم سید در عروه و مرحوم شیخ انصاری پذیرفتند، اگر در قسم صناعات پذیرفتیم که اگر شیئی را به عنوان منفعت محلله ای که دارد، جائز است بفروشیم، مثلاً چاقو را به عنوان منفعت محلله بفروشیم حلال است و بعنوان منفعت محرمة بفروشیم جایز نیست و باطل است، آیا اگر این در قسم صناعات بود، در اعیان نجسه هم می شود این را گفت؟

ما اگر گفتیم که می توان از صناعات الغاء خصوصیت کرد و بگوییم این حرف در اعیان نجسه و اقسام دیگر معایش العباد هم می آید، که ظاهرش هم این است که می شود الغاء خصوصیت کرد، در باب معاملات از مواردی است که انسان میتواند قطع پیدا کند. اگر در عبادات بود نمی شد قطع پیدا کرد . ما در باب معاملات می توانیم چنین قطعی پیدا کنیم، که ضابطه ای که روایت تحف العقول به ما داده است این است که اگر شیئی به قصد منفعت محلله فروخته شود، ولو منفعت محلله نادره باشد صحیح است، اما اگر به قصد منفعت محرمة فروخته شود صحیح نیست .

تذکر: تواتر اجمالی

در جلسه گذشته در روایت ثمن المیته تعبیر کردیم به تواتر معنوی، که این سبق لسان بوده است، مقصود تواتر اجمالی است؛ تواتر اجمالی یعنی اگر هر روایتی خودش هم سند مشخصی نداشت، اجمالاً می دانیم یکی از اینها از امام(ع) صادر شده است .

بررسی ادعای انصراف

بالاخره سوال این است که با توجه به «ثمن المیته سحت» و «لا یبیعها» در صحیحہ بزنی آیا می توانیم بگوییم این انصراف دارد به آنجایی که منفعت محرمه اکل دارد؟ ما نمی توانیم برهان بیاوریم، اما فقیه بلند مرتبه ای مثل امام(ره) می توانند انصراف بیاورند، و این انصراف برای خود ایشان هم حجیت دارد.

ردّ ادعای انصراف

اما اگر کسی گفت این انصراف برای ما وجهی ندارد، چون انصراف منشأ می خواهد، که باید کثرت الاستعمال باشد، اگر فرض کنیم در روایات، صد مورد میته استعمال شده است و نود و پنج موردش للأکل استعمال شده است، این انصراف درست است. انصراف آنجایی است که منشأش کثرت الاستعمال است، اما آنجایی که کثرت الاستعمال نیست نمی توانیم ادعای انصراف کنیم . پس ما نمی توانیم انصراف را بپذیریم.

الغاء خصوصیت از روایت تحف العقول

اما روایت تحف العقول را اگر از قسم صناعاتش الغاء خصوصیت کردیم، که عرف الغاء خصوصیت می کند - ملاک در الغاء خصوصیت عرف است، اگر در روایتی وارد شده است **رجل شک بین الثلاث والاربع فلیبن علی الاربع** ، اینجا بلا فاصله می گوئید این رجل خصوصیت ندارد، بلکه زن هم اگر شک کرد بین ثلاث و اربع همینطور است - در آنجا هم اگر عرف روایت تحف العقول را ببیند، از قسم صناعاتش الغاء خصوصیت می کند و می گوید در همه اقسام معایش العباد و معاملات است .

تذکر اخلاقی در نقل جریان شیخ مفید(ره)

بحث فتوا بسیار مشکل است. در قصص العلماء، مرحوم تنکابنی نقل کرده است: که عرب بیابانی از مرحوم شیخ مفید(ره) سوال کرد که زن حامله ای مرده است او را چه کنیم؟ فرمود با همان بچه دفنش کنید . وقتی آن مرد عرب برای انجام این کار رفت، کسی به او رسید و گفت چه می خواهی انجام دهی؟ گفت می خواهم این زن را با بچه دفن کنیم . فرمود نه، اول باید بچه را از شکم این زن بیرون بیاوری، چون بچه زنده است و بچه را نباید دفن کنی. عرب هم به قول دوم عمل کرد. و قضیه به گوش مرحوم شیخ مفید(قده) رسید. مرحوم شیخ فرمود این قضیه بین من و عرب بوده است و من کسی را سراغ آن عرب نفرستادم. لذا حمل می کنند بر این که وجود مبارک امام زمان(ع) بوده است . ولی نقل می کنند شیخ مفید(ره) بعد از این قضیه فرمود من دیگر فتوا نخواهم داد. اما بعد ارشاد آمده که شما فتوا دهید و ما مراقب شما علما هستیم. عرض بنده این است که فتوا دادن خیلی مشکل است . باز هم دقت کنید تا نتیجه نهایی را عرض می کنم .

و صل الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين.